

تفاوت میان انسان نادان و انسان عاقل از کجا سرچشمه می‌گیرد؟

نظام ارزش‌گذاری عامل تفاوت میان انسان نادان و انسان عاقل

از نظر شما به چه کسی عاقل و به چه کسی بی‌خرد و نادان گفته می‌شود؟ نظام اندازه‌گیری و ارزش‌گذاری میزان شعور انسان چیست؟ آیا کی که از نظر ما عاقل است در نظام سنجش خداوند هم عاقل محسوب می‌شود؟

همان‌طور که در دروس قبل گفتیم ما با یک ساختار ریاضی در عالم سروکار داریم؛ همه‌چیز در نظام هستی دارای اندازه و مقدار است^۱ و از قاعده و فرمول خاصی پیروی می‌کند. خداوند خالق کل این ساختار است و اندازه‌ها را خودش مشخص کرده؛ بنابراین در نظام اندازه‌گیری و ارزش‌گذاری خدا هر مخلوقی مقام، ارزش و قیمت معلومی دارد و همچنین شأن و جایگاه هر مخلوق در مقایسه با سایر مخلوقات کاملاً مشخص است. هریک از ما انسان‌ها نیز نظام اندازه‌گیری و ارزش‌گذاری خاصی داریم. اما این نظام الزاماً با نظام ارزش‌گذاری خدا هماهنگ نیست. به عبارت دیگر، گاهی چیزهایی برای ما مهم و حیاتی می‌شوند که از نظر خدا پیشیزی ارزش ندارند و بالعکس، چیزهایی برای خداوند مهم و قیمتی هستند که ما هیچ توجهی به آن‌ها نداریم.

وجود چنین تفاوتی به نفع ما نیست و اساساً چنین تفاوتی نباید وجود داشته باشد. رابطه ما و خدا از نوع رابطه شاگرد با مربی است. شاگرد برای آنکه به مقام مربی برسد، باید افق نگاهش را کاملاً با افق نگاه مربی تنظیم کند و پایش را دقیقاً همان جایی بگذارد که مربی می‌گذارد؛ وگرنه هیچ رشدی در شاگرد اتفاق نمی‌افتد. خداوند رب ما و در مقام تربیت ماست؛ اگر ما واقعاً طالب رسیدن به خدا و عاقبت‌به‌خیری هستیم، باید نظام ارزش‌گذاری مان را با مربی مان خداوند متعال تنظیم کنیم، نه با هیچ‌کس و هیچ‌چیز دیگر. کوچکترین اختلاف نظر بین ما و خدا در این زمینه و در هر زمینه دیگری، نوعی اختلال است که ما

^۱ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (طلاق، ۳) وَ كُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ (رعد، ۸)

را از هدف نهایی خلقت دور می‌کند. اما چرا این گونه است؟ چرا نظام اندازه‌گیری برخی از ما با نظام اندازه‌گیری خدا متفاوت است؟ برای پاسخ به این سؤال، لازم است مرور کوتاهی بر انسان و ابعاد وجودی‌اش داشته باشیم.

ابعاد مختلف وجود انسان، عامل دانایی و نادانی

انسان کامل‌ترین موجود یا هستی جامع است که از ماده تا الله را در خود دارد. ابعاد وجودی انسان شامل ابعاد جمادی، گیاهی، حیوانی، عقلی و فوق عقلی است. هرکدام از این ابعاد زوج‌هایی هم‌سنگ و متناسب با خود دارند. انسان‌ها از نظر غلبه ابعاد وجودی باهم متفاوتند. معمولاً در هر انسانی، به تناسب سبک زندگی و نوع روحیاتش یک بعد بر سایر ابعاد غلبه پیدا می‌کند؛ به‌طور مثال، برخی افراد عاشق زیبایی‌ها و کمالات جمادی مانند سنگ‌های قیمتی، جواهرات و لوازم مجلل و اشرافی هستند. برخی به کمالات گیاهی مثل زیبایی چهره و اندام عشق می‌ورزند و با پرداختن به آن‌ها دلخوشند. بعضی‌ها دنبال کسب کمالات حیوانی مثل قدرت و مقام هستند و برخی دیگر از کمالات علمی و عقلی لذت می‌برند. در این میان، عده معدودی هم هستند که به بلوغ فوق عقل می‌رسند و دلبستگی‌هایشان قیمت انسانی پیدا می‌کند.

همه کمالات درجای خود ارزشمندند، اما ارزش هیچ‌کدام برابر با کمالات انسانی نیست. تعریف انسان مشخص است. انسان موجودی است فراتر و برتر از همه موجودات، که با هدف رسیدن به کمالات انسانی آفریده شده است؛ پس ارزشمندترین هدف زندگی او باید رسیدن به این کمالات باشد؛ نه کمالات سطحی و نازل؛ اگر بخواهیم این موضوع را در قالب مثال توضیح دهیم، می‌توانیم اینگونه بگوییم که هدف از حضور دانشجو در دانشگاه کسب علم است و کسب علم ارزشمندترین کمالی است که دانشجو باید به آن دست یابد. دانشجو برای ورزش کردن، غذا خوردن، حضور در اردوهای تفریحی و ... به دانشگاه نمی‌رود. او به دانشگاه می‌رود تا دانشش را زیاد کند. اما در اثنای این آموزش به کارهای دیگری نیز می‌پردازد. انجام این

کارها برای او لازمند، اما هدف اصلی نیستند؛ به عبارت دیگر، در مکانی مثل دانشگاه که با هدف آموزش طراحی شده، ارزش کسب علم با ارزش تفریح برابر نیست. پس دانشجویی که به تفریح بیشتر از علم‌آموزی بها می‌دهد، نادان و کم‌خرد است.

دنیا هم یک مکان آموزشی است و خداوند آن را با هدف تربیت ما طراحی کرده؛ ما برای رسیدن به کمالات جمادی، گیاهی، حیوانی و حتی عقلی به دنیا نیامده‌ایم؛ پس کسی که به این کمالات بیش از کمالات انسانی بها می‌دهد، یک انسان نادان است که نظام ارزش‌گذاری و اندازه‌گیری‌اش با نظام ارزش‌گذاری و اندازه‌گیری رب و مربی‌اش یعنی خداوند فرسنگ‌ها فاصله دارد. در ادامه با نظام اندازه‌گیری خداوند و نظام اندازه‌گیری انسان نادان بیشتر آشنا می‌شویم.

انسان نادان از نظر خداوند کیست و چه کسی عاقل‌تر است؟

گفتیم که خداوند خالق همهٔ اندازه‌هاست و به دلیل احاطه‌ای که بر کل هستی دارد، نظام اندازه‌گیری و ارزش‌گذاری او، صحیح‌ترین نظام اندازه‌گیری است. ما نیز قرار است در مسیر رسیدن به خدا گام برداریم؛ پس عقل حکم می‌کند که سبک زندگی‌مان را با خط‌کش خداوند تنظیم کنیم، نه با معیارهای بی‌سروته و من‌درآوردی. نباید اجازه دهیم هوس‌ها و تمایلات حیوانی عقل ما را تحت تأثیر قرار دهند و از معیارهای الهی دورمان کنند.

کسی که عقلش تحت تأثیر هوسش قرار بگیرد یک انسان نادان است که دائماً در انتخاب‌ها و ارتباطاتش دچار خطای محاسباتی می‌شود و امور بی‌ارزش را به امور ارزشمند ترجیح می‌دهد؛ اگر از ما بخواهند بین دو کیف که یکی حاوی یک میلیون و دیگری یک میلیارد تومان است، یکی را انتخاب کنیم، بدون شک همهٔ ما کیف حاوی مبلغ بالاتر را انتخاب می‌کنیم و اگر کسی غیر از این عمل کند، در سلامت عقلش شک

می‌کنیم. با این حال، خیلی از ما در برخورد با مقولاتی که مرتبط با بخش انسانی و حیات ابدی ما هستند، مانند کسی عمل می‌کنیم که مبلغ کمتر را به مبلغ بیشتر ترجیح می‌دهد؛ همین قدر ساده‌لوحانه!

اما علت چیست؟ علت این است که قیمت‌ها دستمان نیست. تقریباً همه ما وقتی می‌خواهیم کالای گران‌قیمتی را برای منزلمان تهیه کنیم، از چندین فروشگاه قیمت می‌گیریم تا مبادا کلاه سرمان برود، اما متأسفانه در مورد خودمان اصلاً چنین حساسیتی نداریم و روح خود را که عظیم‌ترین سرمایه و تنها دارایی ماست، به بهای بسیار اندکی می‌فروشیم؛ زیرا نظام ارزش‌گذاری ما با آنچه که باید باشد، فاصله بسیار دارد.

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در تعریف عقل می‌فرماید: «عقل آن است که به وسیله آن بهشت به دست آید و رضای پروردگار طلب گردد.»^۲ این جمله به ظاهر ساده یک دنیا حرف برای گفتن دارد؛ پیامبر در همین یک جمله مرز بین عقلانیت و حماقت را مشخص می‌کنند و یک نظام ارزش‌گذاری قاعده‌مند را در اختیار ما می‌گذارند. بر این اساس، برای سنجش عقل هرکس باید ببینیم در زندگی دنبال چه چیزی می‌گردد و عمر خود را با چه بهایی معامله می‌کند؟ آیا دنبال لذت ابدی و جاودانه است، یا لذت محدود و کوتاه‌مدت؟ عقل حکم می‌کند که انسان لذت ماندگار را به لذت ناپایدار و گذرا ترجیح دهد؛ پس کسی که دنیای گذرا و محدود را به بهشت ابدی و نامحدود ترجیح می‌دهد، یک انسان نادان است.

در نظام اندازه‌گیری خداوند این دنیا سرگرمی و بازیچه است و زندگی حقیقی در سرای آخرت است.^۳ خداوند تنها یک درصد از رحمت خود را در زمین قرار داده و نود و نه درصد آن را برای آخرت گذاشته است.^۴ در بهشت برای بندگان صالح نعمت‌هایی مهیا شده که هیچ چشمی آن را ندیده، هیچ گوشی نشنیده و بر اندیشه هیچ بشری خطور نکرده است؛^۵ حالا تصور کنید کسی همه این نعمت‌ها را رها کند و به جیفه ناچیز

^۲ أَلْعَقْلُ مَا أَكْتَسِبَتْ بِهِ الْجَنَّةُ وَ طَلِبَ بِهِ رِضَا الرَّحْمَنِ. (ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۹)

^۳ سورة عنکبوت، آیه ۶۴

^۴ پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِائَةَ رَحْمَةٍ فَجَعَلَ فِي الْأَرْضِ مِئَةً رَحْمَةً... وَأَخَّرَ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَكْمَلَهَا بِهَذِهِ الرَّحْمَةِ مِائَةً.» (فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین، ج ۲، ص ۵۰۲)

^۵ پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): «إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ أَغْدِثُ لِعِبَادِي الصَّالِحِينَ مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَلَا أُذُنٌ سَمِعَتْ وَلَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ بَلْ مَا أَطْلَعْتُكُمْ عَلَيْهِ إِفْرَعُوا إِنْ شِئْتُمْ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ.» (مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۸، ص ۹۲)

دنیا که فقط چند صباحی همراه اوست، دل ببندد؛ آیا غیر از این است که او یک انسان نادان و کوردل است؟

خداوند بارها در قرآن کریم عباراتی مانند «تعقل نمی‌کنند» و «نمی‌فهمند»^۶ را در مورد اهل دنیا، گناهکاران و به طور کلی کسانی که نظام ارزش‌گذاری‌شان با نظام ارزش‌گذاری خدا فرق می‌کند به کار برده است و به آن‌ها لقب حیوان، پایین‌تر از حیوان،^۷ سنگ یا سخت‌تر از سنگ^۸ داده، یا با عناوینی مانند کر، کور^۹ و احمق^{۱۰} توصیف‌شان می‌کند. دقت کنیم که این‌ها توهین نیستند؛ خداوند قصد تخریب شخصیت افراد را ندارد. بلکه حقیقت و قیمت افراد را بیان می‌کند. در نظام ارزش‌گذاری خداوند کسی که حیات دنیا را به حیات جاودانه ترجیح می‌دهد، قیمتی معادل سنگ، چوب، گیاه و حیوان دارد و بیش از این نمی‌ارزد. از دیگر نشانه‌های عقل که پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) در ادامه سخن خود به آن اشاره می‌کنند، کسب رضایت خداوند است. رضایت الهی از بهشت هم بالاتر است و فقط یک انسان نادان است که رضایت معشوق حقیقی اش را با رضایت معشوق‌های پوشالی که عشقشان به هزار و یک طمع آلوده است، معامله می‌کند؛ البته تطبیق دادن سبک زندگی با نظام ارزش‌گذاری خدا کار چندان ساده‌ای نیست؛ کسانی که پا در این راه می‌گذارند، همواره مورد تمسخر و طعنه اهل دنیا قرار می‌گیرند.^{۱۱} اما کسی که ارزش خود را کشف کرده باشد، از طعنه طعنه‌زنندگان و مسخره‌کنندگان نمی‌هراسد؛ زیرا افق نگاهش به جهانی باز شده که دلبستگان به دنیا از درک عظمت آن ناتوانند.

در این درس درباره نظام اندازه‌گیری خداوند و تفاوت آن با نظام اندازه‌گیری انسان نادان صحبت کردیم. گفتیم که نظام اندازه‌گیری و ارزش‌گذاری هرکس، میزان عقل او را نشان می‌دهد. نظام اندازه‌گیری خداوند

^۶ «لَا يَتَعْقِلُونَ» «لَا يَشْكُرُونَ»

^۷ سورة اعراف، آیه ۱۷۹

^۸ سورة بقره، آیه ۷۴

^۹ سورة بقره، آیه ۱۷۱

^{۱۰} سورة بقره، آیه ۱۳۰

^{۱۱} سورة مطففین، آیه ۲۹ و ۳۰

که خالق همهٔ عالم است، صحیح‌ترین نظام است و عدم تطابق با آن نشانهٔ بی‌عقلی و نادانی است. تنها یک انسان نادان است که یک چیز بی‌ارزش را به چیز باارزش و ماندگار ترجیح می‌دهد. یکی از ریشه‌های اصلی بی‌خردی عدم خودشناسی است. وقتی انسان حقیقت خود و معشوق حقیقی‌اش را نشناسد، در تشخیص قیمت و ارزش امور دچار خطا می‌شود و روحش را به بهای اندکی می‌فروشد.

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer